ایران سال دوازدهم- شماره ۲۴۴۶
مهرگان
چهارشنبه ۳۰ فروردین ماه ۱۳۸۵- ۲۰ ربیع الاول ۱۴۲۷ - ۱۹ آوریل ۲۰۰۶- صفحه ۱۱

درباره
محمد صالح ابراهیمی
صفحه ۱۱

درباره محمد صالح ابراهیمی

- محمدصالح ابراهیمی، دین‌پژوه، قرآن شناس و مترجم و شاعر متولد ۱۳۱۲ مهاباد
- از نوادگان ملاسعید بزرگ (از نوادگان حاج ملا عبدالکریم پیرپونس)
- آغاز تحصیل علوم دینی و فقه در نزد پدر و برادر و عموهایش از سن ۷ سالگی
- تلمذ و شاگردی نزد اساتیدی چون ملااحمد عثمانی، حاج ملاجسیم سعادتی، حاج ملاصالح رحیمی، حاج ملاهادی افخم‌زاده، ملامحمد ماورانی، ملاحسین مجدی، حاج بابا شیخ سیادت و...
- لیسانس الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران ۱۳۴۴
- فوق لیسانس الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران ۱۳۶۷
- دکترای زبان و ادبیات عرب از دانشگاه آزاد اسلامی ۱۳۷۱
- دبیر دبیرستانهای البرز، مطهری و آیت‌الله سعیدی در تهران
- استاد دانشکده‌های علوم قضایی و خدمات اداری، دانشگاه آزاد و دانشگاه تقریب مذاهب
- همکاری با رادیو و تلویزیون در زمینه زبان و فرهنگ کردی از سال ۱۳۴۲ تاکنون
- عضو مؤسس و رئیس انجمن زبان، فرهنگ و هنر کرد
- صاحب‌امتیاز، مدیرمسئول و سردبیر ماهنامه «گرشه کردستان»
- برخی از آثار: [illegible]، «باوی کومه لایه تی و ملیدوری»، به دنباله مالی قورانی، [illegible]، دین و ئه‌ده‌ب، [illegible] و...
- ترجمه قرآن به زبان کردی برای نخستین بار در ایران و همچنین ترجمه کتبی چون انسان و ایمان (شهید مطهری)، شهر زنبوران (عبدالکریم بی‌آزار شیرازی) و... به زبان کردی

این روزها کمتر سراغ «محمدصالح ابراهیمی» را می گیرند. گرچه او با چشمان گرفتار بیماری اش هم دست از تحقیق و پژوهش برنمی دارد و تا حیات دارد و جانی در نفس، به مطالعه و تحقیقاتش ادامه می دهد.

محمدصالح ابراهیمی متولد چهارم خرداد ۱۳۱۲ است و در مهاباد و در خانواده‌ای روحانی و دین‌پژوه به دنیا آمد. پدرش «ملا ابراهیم» فرزند حاج خلیفه ملامحمد (بها) فرزند ملاسعید بزرگ و از نوادگان حاج ملا عبدالکریم پیرپونس، مشهور به شیرازی است. علت انتساب جدش به شیرازی از این روست که نسبتش به مظفرالدین محمد شهید شبانکاره‌ای شیرازی می رسد. مادر ابراهیمی، که «زبیده قدم خیر» نام داشت، از نسل شیخ اسماعیل «گلباغیها» است.

محمدصالح ابراهیمی قرآن کریم و علوم مقدماتی را نزد پدرش فرا گرفت و از هفت سالگی به طور خیلی جدی به علوم عربی و فارسی روی آورد و سپس در حوزه‌های علمیه کردستان، در محضر برادرش که از قرآن پژوهان بنام مناطق غرب ایران محسوب می شود، ملامحمد سعید و همچنین عمویش ملاطه حکمتی که مؤسس چند حوزه علمیه در آن نواحی است، به تحصیل علم پرداخت.

از دیگر استادان او در این دوران می توان به ملااحمد عثمانی، حاج ملاجسیم سعادتی، حاج ملاصالح رحیمی، حاج ملاهادی افخم‌زاده، حاج ملاعلی ربانی، حاج ملاحسین ادیبی، حاج بابا شیخ سیادت، ملامحمد ماورانی و ملاحسین محمدی یاد کرد.

ابراهیمی از دهه سی شمسی اجازه‌نامه لغت و تدریس را در علوم و معارف اسلامی به دست آورد و به عنوان مدرس به تدریس علوم دینی و اقامه نماز جماعت در خانقاه قهری مهاباد پرداخت و چون در علوم معقول و منقول نیز گواهینامه لازم را از وزارت فرهنگ آن دوران داشت، در مدرسه بزرگ اسلامی (مسجد سور) و دبیرستانهای آن شهر نیز عهده‌دار تدریس شد.

او در سال ۱۳۴۰ شمسی، پس از ۳ سال تحصیل در مؤسسه وعظ و تبلیغ، وارد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران شد و دوره کارشناسی یا لیسانس را در همین رشته در سال ۱۳۴۴ و دوره فوق لیسانس یا کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۴۸ به پایان رساند. او در سال ۱۳۶۷ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تحصیلات خود را در دوره دکترا آغاز کرد و در سال ۱۳۷۱ در رشته زبان و ادبیات عرب از آن دانشگاه فارغ التحصیل شد.

جالب اینجاست که او برای فوق لیسانس به دلیل داشتن نمره ممتاز دانشگاه بدون هیچ کنکوری وارد این مرحله شد و در این دوران، که خودش آن را از پربارترین دوران تحصیلی اش می داند، نزد اساتیدی هـمچون آیت الله کمره ای، مرحوم مصلح، مرحوم آیت الله مشکات، مرحوم آیت الله مطهری و استاد سید محمد شیخ الاسلام کردستانی تلمذ کرد و استفاده های فراوانی از این دوران برد. درباره آن روزها خودش می گوید: «بیش از هر کس از درس مرحوم شهید مرتضی مطهری در علم الاخلاق و فلسفه خیلی بهره بردم و استفاده کردم و حتی وقتی که در تهران دبیر دبیرستان البرز بودم، تصمیم گرفتم کتاب «انسان و ایمان» ایشان را به زبان کردی ترجمه کنم که در سال ۱۳۶۱ توسط انتشارات صدا و سیما (سروش) این کتاب منتشر شد.»

او ادامه می دهد: «در همان سالها در خدمت سید محمود شهابی بودم که واقعاً از محضر ایشان فیض بردم و در علوم اصول الفقه، بعد از فراغت از دوره لیسانس برای تدریس در مدارس تهران خیلی از مطالب و علم ایشان بهره بردم.»

محمد صالح ابراهیمی از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۷۱ به تدریس در دبیرستانهای تهران روی آورد و در دبیرستانهای معروفی چون البرز، استاد مطهری، آیت الله سعیدی تهران به تدریس زبان و ادبیات فارسی و عربی پرداخت و بالاخره در سال ۱۳۷۱ از وزارت آموزش و پرورش بازنشسته شد.

از دیگر فعالیتهای آموزشی محمد صالح ابراهیمی در همین سالها، تدریس در دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری و دانشگاه آزاد اسلامی است. او هم اکنون از اساتید برجسته دانشگاه «تقریب مذاهب اسلامی» محسوب می شود و طی این سالها که بیش از ۳۲ سال و ۶ ماه از آن می گذرد، توانسته هزاران دانشجو و دانش آموز و نوجوان ایرانی را آموزش دهد و به این موضوع بسیار افتخار می کند. شاگردانی که هریک برای خود استادی عظیم الشأن شدند و حالا راه استادشان را می پویند.

از همه گذشته، محمد صالح ابراهیمی را می توان یکی از چهره‌ترین اندیشمندان و اهل فرهنگ مطرح کرد، قلمداد کرد. او برای نخستین بار در ایران توانست قرآن کریم را به صورت کامل به زبان کردی ترجمه و تفسیر کند. کتابی که توسط سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۷۶ خورشیدی چاپ و منتشر گردید و باعث خشنودی کردزبانان سراسر جهان شد و توسط نمایندگان مردم ده شهرستان در مجلس (شهرهایی چون پیرانشهر، سردشت، مهاباد، سنندج، دیواندره، کامیاران، سقز، بانه، قروه، پاوه، جوانرود و ایلام) مورد تقدیر و تشویق قرار گرفت.

چنان که پیش از این آمد، محمدصالح ابراهیمی یکی از چهره های مطرح کردهای اهل قلم است و خدمات علمی و ادبی مفیدی را به زبان، فرهنگ، ادب و هنر کردی انجام داده است و بیش از ۱۹ کتاب را به زبان کردی تألیف، چاپ و منتشر کرده است.

او همچنین در رسانه ها نیز فعالیت بسیاری دارد و در همان اوان انقلاب از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پروانه انتشار مجله ای به نام «گرشه» کردستان را با رویکردی سیاسی، اجتماعی، علمی، ادبی و هنری به زبان کردی کسب کرد که به صورت ماهانه در تهران چاپ و در مناطق کردنشین توزیع می شد، مجله ای که البته ۹ شماره بیشتر دوام نیاورد.

ابراهیمی همچنین عضو و مؤسس و رئیس انجمن زبان، فرهنگ و هنر کرد در تهران است و در این انجمن صدها برنامه کردی را برای رشد و غنای فرهنگ کردی برپا کرده است.

او همچنین از سال ۱۳۴۳ خورشیدی، با بخش زبان کردی رادیو و تلویزیون همکاری خود را آغاز کرد و از سال ۱۳۵۰ تا چند سال برنامه های او درباره فرهنگ عامه کردستان، به نام «باوی کومه لایه تی» یا همان (آداب و رسوم اجتماعی) از بخش کردی رادیو، در استانهای کرمانشاه و کردستان و آذربایجان غربی پخش می شد. از دیگر فعالیتهای فرهنگی او در این زمینه می توان به تهیه برنامه هایی در موضوع ترجمه و تفسیر قرآن برای بخش زبان کردی رادیو برون مرزی اشاره کرد و نیز برنامه‌هایی برای شبکه سحر تلویزیون کردستان.

او هم اکنون در تهیه برنامه هایی در موضوع تفسیر قرآن کریم و مباحث علوم قرآنی، با شبکه های یک و دو و چهار سیمای جمهوری اسلامی ایران همکاری دارد.

علاوه بر این همه، او دست طولایی هم در عالم شعر و شاعری دارد و در شعرهایش به «شه پول» تخلص می کند.

محمدصالح ابراهیمی درباره زبان کردی می گوید: «زبان کردی یکی از زبانهای بسیار جالب توجه، شیرین، خوش آهنگ، متناسب الاجزا، غنی، عمیق و صریح است. این زبان دارای زیبایی های خاصی است، زبانی است فلسفی، علمی و هنری که فصاحت وسیع و بلندی دارد.»

از منظر او، ادبیات کردی بسیار گرانمایه است و شاهکارهای ادبی این زبان از نظر علمی و هنری دارای امتیاز و ارزشهای فراوان است. زبان و ادبیات کردی مظهر شعر و ترانه و موزیک و آیینه تمام نما و گویای زیباییهای طبیعت است.»

و در این باره می گوید: «چقدر بجاست که پدران پدران ما در این باب گفته اند: «کردی هنر است.»

محمدصالح ابراهیمی درباره روند شکل گیری زبان کردی می گوید: «با پیدایش خط میخی کردها و پارسها هر دو به اتفاق نوشتارهای خود را با خط میخی می نوشتندزبان شناسی در جایی می گوید: اگر کتیبه‌ای از کردها به دست بیاید، تصور می رود که از حیث زبان و خط عین کتیبه های شاهان هخامنشی باشد. (تتبعات تاریخی راجع به ایران قدیم). در کتاب «شوق المستهام فی معرفه رموزالاقلام» تألیف احمدبن ابی بکر وحشیه نبطی کلدانی، مذکور است که در حدود سده دهم پیش از زایش مسیح یک نفر «ماسی سورات» نام، حروفی را طبق مخارج ابجدی اختراع کرده و با آن افکار خود را رقم زده است. از آن پس کردها با همان حروف کتابت کرده اند. حروف مذکور که مشهور به حروف «ماسی سوراتی» است تقریباً شبیه به حروفی است که در قرن ششم میلادی اختراع شده است و آن را حروف اوستا: «آویشتایی» می گویند.

او ادامه می دهد که مجله العربی چاپ کویت در شماره ۲۰۰ ماه تموز ۱۹۷۵ در گفتاری به قلم دکتر «عبدالکلیم منتصر» زیر عنوان «ابن وحشیه فی الفلاحه و هو مقدم الکتب فی العربیه» می نویسد: «و انه نقل اکثر کتبه من اللغه النبطیه، و لم ینشر من تألیفه فی اللغه العربیه سوی اشوق المستهام فی معرفه رموز اللاقلام) و قد ذکر فی آخر کتاب فی علل المیاه و کیفیه استخراجها و استنباطها من الارض المجهولیه الاصل» یعنی نبطه قومی عرب بوده اند، اما زبانشان غیر عربی بوده است (قاموس زبان کردی، صفحه ۳۸ جلد اول، تألیف عبدالرحمن محمد امین ذبیحی چاپ ۱۹۷۷ میلادی، مجمع علمی کردی بغداد).

از نظر محمد صالح ابراهیمی: «تا پیدایش اسلام حروف کردی (ماسی سوراتی) در میان کردان معمول بود و در عین حال کرد تا خط یونانی و خط آرامی سریانی را به کار می بردند. سه فقره اجازه نامه ای را که «سید حسین» نامی از منسوبین شیخ علاء الدین در سال ۱۳۲۸ قمری در میان خمره ای از ارزن پیدا کرده بود، این ورقه ها توسط پروفسور براون به دست پروفسور «منس» متخصص خط و زبان یونانی رسید و مشخص شد که یکی از آنها به زبان پهلوی و خط آرامی سریانی است. (۸۸ ق.م) و آن دو ورق دیگر یونانی است و هر دو دارای یک مضمونند (سخنان) و هر دو در زمان فرهاد چهارم از سلاطین پارت (اشکانیان) نوشته شده اند.»

این اسناد دلالت دارند که در آن ایام منطقه اورامان تحت حکومت ارمنستان (آرتاکسیس) یا (آرتاکسیاس) بوده است. حکمران اورامان هم میهن سوم بوده است. نسل هجدهم بهمن اول پسر اسفندیار علی جد سلسله سلاطین اورامان است.»

او معتقد است که پس از اسلام و غلبه و توسعه آن بر ناحیه کردستان، حروف کردی، میخی، آرامی و یونانی به کلی متروک شدند و به جای آنها حروف «کوفی» معمول شد. قرآنی که اکنون در قریه «نگل» از محال «کلاترزان» سنه دژ (در راه مریوان) موجود است و تاریخ آن قرن دوم هجری است، گویا به خط کوفی نوشته شده است و پس از رواج خط نستعلیق، کرد و پارس هر دو نوشتار خود را با همین خط نوشته اند و بنابراین کرد و پارس در خط هم دوش به دوش همدیگر رفته اند.

محمدصالح ابراهیمی این روزها تن رنجور و خلوت گزیده فکر مداوای بیماری چشمهایش است و چه بهتر که اهل فرهنگ و حتی شاگردانش حالا که رنجوری تن مجال استادشان را بریده سری به او بزنند و یادی از او کنند که کمتر عالمی چون او را در خطه غرب کشور داریم.